

Studying the Relationship Between Development Idealism and Changes in Family Structure (A Case Study: Tabriz City)

Robabeh Pour jebelli¹ | Leila Azimi² | Ahmad Pourparvizian³

Abstract

In recent years, the family structure has experienced many changes and developments under the influence of various factors. The expansion of the process of development idealism is one of these factors which has been studied in this research in relation to the changes in the family structure. The current research was carried out as a survey among 600 married people aged 18 and over living in Tabriz city in 2019. The sampling method is a multi-stage cluster. The data were collected using researcher-made questionnaires on development idealism and family structure. In order to test the hypotheses, Pearson's correlation coefficient and focal correlation were used. The findings of the research indicate that there is a significant relationship between the idealism of development and the change of the family structure and its components (familyism, avoiding marriage, reducing the desire to have children and distribution of power); That is, the structure of the family has progressed under the influence of the expansion of development idealism towards increasing marriage avoidance, reducing the desire to have children (child avoidance) and family orientation, and balancing the distribution of power in the family. Among these factors, avoiding marriage and reducing the desire to have children are the first components that change under the influence of the expansion of development idealism. In order to turn the challenges and changes that have occurred (decrease in the desire to have children and family orientation and increase the avoidance of marriage) into opportunities, we need cultural and social policies and support for the family in different dimensions.

Keywords: Developmental Idealism, Marriage Avoidance, Familyism, Distribution of Power, Family Structure.

60

Vol. 17
Autumn 2022

Research Paper

Received:
8 August 2021
Accepted:
11 June 2022
P.P: 251-273

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



DOR: 20.1001.1.26454955.1401.17.60.10.3

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Sociology, Boroujerd Branch, Islamic Azad University, Boroujerd, Iran.
3. Corresponding Author: Ph.D. Candidate, Department of Sociology, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. Ahmadpour@asia.com

مقدمه

خانواده به عنوان یکی از نهادهای اولیه و اساسی جامعه از گذشته تا به امروز نقش‌ها و کارکردهای مختلفی همچون زادوولد و استمرار نسل، ارضای نیازهای جنسی و عاطفی، اجتماعی کردن فرزندان، حمایت و مراقبت از آن‌ها، تربیت و آموزش و غیره را بر عهده داشته است. همچنین خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه به شمار می‌رود که تقویت آن امکان افزایش انسجام و همبستگی اجتماعی به مثابه پیش شرط ضروری توسعه و پیشرفت را فراهم می‌سازد؛ اما با ورود به دوران مدرن، خانواده دچار تغییر و تحولات چشمگیری از جمله تفکیک و تمایز نقشی و اختلالات کارکردی شده است. خانواده‌های ایرانی نیز پس از مواجهه با تحولات ناشی از مدرنیته تغییر و تحولاتی را تجربه کرده‌اند. از جمله تغییر و تحولات صورت گرفته در خانواده‌های ایرانی می‌توان به تغییر و تحولات پدیدار شده در ساختار و ارزش‌ها و کارکردهای خانواده اشاره نمود. در این زمینه، یافته‌های پژوهش‌های ساروخانی و مقریان (۱۳۹۰)، زاهدی و همکاران (۱۳۹۲)، جمشیدی‌ها و همکاران (۱۳۹۲)، رضایی و همکاران (۱۳۹۲)، صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۲)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، میرمحمد رضایی و همکاران (۱۳۹۵) بیانگر آن است که مدرنیته و برنامه‌های توسعه منجر به تغییر در ساختار، ارزش‌ها و کارکردهای خانواده شده‌اند. به طوری که امروزه شاهد کاهش نرخ ازدواج، افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق و طلاق عاطفی، ظهور شکل‌های نوپدید خانواده همچون هم‌خانگی و تک‌والدی، توزیع قدرت در خانواده، افزایش حضور زنان در جامعه و غیره هستیم (رسول‌زاده اقدم، ۱۳۹۷). از این رو، برخی از جامعه‌شناسان از جمله گود^۱ (۱۹۶۳) ایده وقوع انقلاب جهانی در خانواده را مطرح نموده‌اند. تورنتون^۲ (۲۰۰۵) نیز در اثر خود تحت عنوان *مغالطه و تأثیر پایدار پارادایم توسعه بر زندگی خانوادگی*، معتقد است که تغییرات خانواده بعد جهانی دارد و علاوه بر جوامع غربی در سایر جوامع نیز از گستره و شتاب چشمگیری برخوردار است.

از مهم‌ترین عوامل خارجی یا بیرونی مؤثر بر وقوع تغییر و تحولات در خانواده ایرانی، آرمان‌گرایی یا آرمان‌گرایی توسعه است (کاظمی، ۱۳۸۹؛ عباسی شوازی و عسکری ندوشن،

1. Goode
2. Thornton

۱۳۸۷) که چالش‌ها و مسائل مختلفی را در نهاد خانواده به وجود آورده است. تورنتون (۲۰۱۰) به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان رویکرد آرمان‌گرایی توسعه، معتقد است که استفاده وسیع و گسترده صاحب‌نظران از پارادایم توسعه، بسته‌ای از ایده‌ها را ایجاد کرده که وی آن را آرمان‌گرایی توسعه می‌خواند. آرمان‌گرایی توسعه، مفهومی است که به بررسی، توصیف و تفسیر تغییرات و دگرگونی‌های جهان و روابط انسان‌ها در جهت فهم بهتر و واکنش مطلوب‌تر نسبت به آن‌ها می‌پردازد. به نظر تورنتون (۲۰۱۰) نظریه آرمان‌گرایی توسعه، یک سیستم ارزشی و اعتقادی است که بیان می‌کند نگرش‌های اجتماعی و خانوادگی که به‌عنوان مدرن تعریف شده‌اند بهتر از نگرش‌های سنتی هستند. این رویکرد بر اشاعه و گسترش ایده‌های مرتبط با توسعه، پیشرفت و مدرنیزاسیون در سطح جهان به‌عنوان عاملی مهم در تغییرات ارزشی و رفتاری تأکید دارد. در واقع، این مجموعه از ایده‌ها و نگرش‌ها، ایده‌آلهایی را ایجاد می‌کنند که موجب تغییراتی در نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با خانواده می‌شوند.

در واقع، آرمان‌گرایی توسعه، نظامی از ارزش‌ها و باورها است که از مدل‌های صدساله توسعه‌گرایی یا نظریه‌نوسازی به وجود آمده است. پیام‌های اساسی نظریه آرمان‌گرایی توسعه عبارت‌اند از: الف) جامعه مدرن جامعه‌ای خوب و قابل حصول است؛ ب) خانواده مدرن خوب است و باید شبیه‌سازی شود؛ ج) خانواده‌های مدرن علت و معلول جوامع مدرن هستند و د) آزادی و برابری حق انسان هستند (عدلی‌پور، ۱۳۹۸). مطابق رویکرد آرمان‌گرایی توسعه، اندیشمندان اجتماعی سده‌های گذشته، ماهیت نظام خانواده در جوامع توسعه‌یافته غربی را نیز متفاوت از سایر جوامع مشاهده کردند. عناصر خانواده در جوامع غیرغربی، به‌رغم تنوعات قابل‌ملاحظه، با ویژگی‌هایی نظیر شکل سکونتی گسترده، استحکام بنیان خانواده، عمومیت بالای ازدواج، ازدواج در سنین پایین و عموماً ترتیب یافته توسط والدین، پدرسالاری و سرانجام منزلت پایین زنان، تحت عنوان کلی خانواده سنتی توصیف می‌شد. در مقابل، زندگی خانوادگی در جوامع غرب با خصوصیتی نظیر هسته‌ای بودن، فردگرایی، عمومیت پایین ازدواج، ازدواج در سنین بالاتر، استقلال جوانان در انتخاب همسر و منزلت بالاتر زنان، با عنوان خانواده مدرن مشخص می‌شد. صاحب‌نظران سده‌های هفدهم تا اواسط نوزدهم میلادی ماهیت متفاوت خانواده در جوامع فوق را معلول ساختار متفاوت اقتصادی-اجتماعی و سطح توسعه آن‌ها دانستند و با استفاده از پارادایم

توسعه به این نتیجه رسیدند که در فرایند توسعه، الگوی خانواده سنتی سایر جوامع نهایتاً هر چه بیشتر به الگوی خانواده مدرن غرب مشابه خواهد شد. پذیرش آرمان‌گرایی توسعه، تغییر و تحول بسیاری از رفتارهای جمعیتی و خانوادگی را همچون افزایش استفاده از روش‌های پیشگیری، خانواده‌های کوچک‌تر، تأخیر ازدواج، نظارت کمتر والدین بر ازدواج جوانان، طلاق بیشتر، برابری جنسیتی بیشتر، روابط جنسی و فرزندآوری خارج از محدوده ازدواج و... را تسریع کرده است (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۷).

در این زمینه، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی مسائل و مشکلات فعلی خانواده ریشه در تغییرات اجتماعی و فرهنگی همچون جهانی شدن، نوسازی و آرمان‌گرایی توسعه دارد. در این زمینه، خارج از ایران، یافته‌های لای^۱ و تورنتون (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «ساخت ارزش‌های خانواده: آرمان‌گرایی توسعه در گانسو چین»، نشان داد که تغییرات رخ داده در ارزش‌های خانواده در مواردی همچون ترجیح افراد در حمایت از نومیکنی، ازدواج‌های آزادانه، مساوات طلبی جنسیتی، تأخیر در ازدواج و باروری پایین، با آرمان‌گرایی توسعه ارتباط دارند. تورنتون (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «تداوم و تغییرات بین‌المللی در خانواده»، نشان داد که آرمان‌گرایی توسعه در اموری همچون کمپین‌های حذف چندهمسری و حجاب زنان، تلاش در گسترش برابری جنسیتی، برنامه‌ریزی‌های خانواده، باروری پایین، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالاتر، به رسمیت شناختن روابط همجنس‌گرایان، طلاق، روابط جنسی و فرزندآوری خارج از ازدواج نقش مؤثری داشته است. دودامنی^۲ (۲۰۱۴) نیز در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی تغییر ساختار خانواده در کارنتکا»، نشان داد که شیوه زندگی و ساختار خانواده روستائیان تحت تأثیر خصوصی‌سازی، آزادسازی و جهانی شدن تغییر پیدا کرده است. این تغییر و تحولات هم در ساختار و هم در کارکردهای خانواده رخ داده است؛ اما تأثیر آن عمدتاً در ساختار خانواده بوده است تا کارکردهای خانواده. همچنین، یافته‌های کیونگ سوپ و مین یونگ^۳ (۲۰۱۰) نشان دادند که اگرچه مدرنیته تغییر و تحولاتی را همچون ازدواج‌گریزی، کاهش

1. Lai
2. Doddamani
3. Kyung-Sup & Min-Young

فرزندآوری و افزایش طلاق در خانواده‌های کره‌ای به وجود آورده است، با این حال زنان کره‌ای همچنان خانواده گرا هستند.

در ایران نیز تحقیقاتی در خصوص موضوع پژوهش صورت گرفته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود. یافته‌های عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «تحولات نهاد خانواده در فرایند نوسازی و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری ایران در حوزه خانواده»، بیانگر آن‌اند که نوسازی باعث تغییر در الگوهای خانواده، قواعد ازدواج و الگوهای همسرگزینی، عملکردهای خانوادگی، نگرش‌ها و الگوهای فرزندآوری، متوازن شدن قدرت در خانواده، تغییر در الگوهای اوقات فراغت و تغییر در نگرش‌ها و الگوهای طلاق شده است. جمند و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین تجددگرایی و بی‌رغبتی نسبت به ازدواج در میان جوانان» نشان دادند که بین تجددگرایی و ابعاد آن (فردگرایی، مدگرایی، مادی‌گرایی، برابری‌خواهی جنسیتی، نگرش به ساختار دموکراتیک خانواده و مصرف‌رسانه‌ای) با بی‌رغبتی نسبت به ازدواج رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، میرمحمد رضائی و همکاران (۱۳۹۵) به مطالعه نقش فرایند جهانی شدن در تحولات نهاد خانواده در شهر زنجان پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که ابزارهای جهانی شدن باعث تضعیف ارزش‌های سنتی، تبدیل روابط سنتی به مدرن، بازناندیشی در کارکرد خانواده، تحول ساختاری خانواده (تغییر در ساختار اقتدار خانواده) شده است. یافته‌های اعتمادی‌فر (۱۳۹۴) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «تحولات خانواده، طلاق و ازدواج»، بیانگر آن است که نگرش ایرانیان نسبت به نظام نقش‌های خانوادگی، الگوهای همسرگزینی و ازدواج، ساختار اقتدار در خانواده تغییرات تدریجی یافته است. ساختار اقتدار در خانواده‌ها، از وضعیت‌های قطبی به سویه‌های چندقطبی تحول یافته، به گونه‌ای که مراجع تصمیم‌گیری در خانواده با حفظ کلیت ساخت پدرسری، به تدریج بین تمامی اعضا تقسیم شده است؛ الگوی نقش‌های خانوادگی نیز مشارکتی‌تر از سابق شده است. علاوه بر این، یافته‌های کاظمی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر شکاف بین نگرش‌های دختران و مادران آن‌ها نسبت به ازدواج و خانواده»، بیانگر آن است که بین نگرش مادران و دختران آن‌ها شکاف قابل توجهی وجود دارد. نگرش مادران نسبت به سن مطلوب ازدواج، نحوه انتخاب همسر، جدایی و طلاق، مطلوبیت ازدواج، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده،

ارتباطات خانوادگی و مطلوبیت فرزندآوری، سنتی است و دختران نسبت به این شاخص‌ها نگرش مدرن دارند. همچنین آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر این شکاف نگرشی بین مادران و دختران تأثیر مستقیم و مثبت دارد و با افزایش آرمان‌گرایی توسعه‌ای، نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در بین افراد، مدرن‌تر می‌شود.

نگاهی به یافته‌های تحقیقات داخلی نشان می‌دهد که از مهم‌ترین تغییر و تحولات فرهنگی در شهرهای کشور ما، ظهور جریان آرمان‌گرایی توسعه است که عاملی مؤثر در دگرگونی‌های نظام خانواده است. شهر تبریز نیز به‌عنوان یکی از شهرهای بزرگ و پرجمعیت ایران از برنامه‌های توسعه و نوسازی دوره پهلوی دوم به‌ویژه اصلاحات ارضی و درهم‌شکسته شدن نظام ارباب رعیتی از بعد اجتماعی و فرهنگی تأثیرات زیادی پذیرفت. با وقوع انقلاب ایران در سال ۵۷ در ایران و تشدید فرایند دگرگونی‌های اجتماعی این تأثیرات شدت و گسترش بیشتری یافت و دیگر ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی شهر تبریز را نیز فرا گرفت. علاوه بر این، شهر تبریز از دیرباز به‌عنوان شهری شناخته می‌شود که روابط خانوادگی در آن از استحکام و کیفیت بالایی برخوردار است و عموماً جمع‌گرایی و توجه به منافع کل جامعه و همچنین احترام به ارزش‌ها و هنجارهای خانواده اهمیت زیادی دارد. مهم‌ترین خصلتی که در شهر تبریز وجود دارد قدرتمند بودن روابط اجتماعی بین افراد است که با توسعه این شهر به‌عنوان یکی از شهرهای برتر در عرصه صنعت، به‌وضوح می‌توان شاهد گسترش عناصر ظاهری مدرنیته در بخش‌های گوناگون جامعه از جمله خانواده بود (رسول‌زاده اقدم، ۱۳۹۷). حضور عناصر مدرنیته و به دنبال آن رواج باورها و ارزش‌های کشورهای غربی (آرمان‌گرایی توسعه) در شهر تبریز با خود یک سری مسائل و چالش‌هایی را در نهاد خانواده به بار آورده است؛ بنابراین، لازم است برای پیشگیری از تشدید، مقابله و سیاست‌گذاری با آن‌ها، ماهیت تحولات نهاد خانواده، ابعاد و پیامدهای آن‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. مطالعه تغییرات خانواده در بستر آرمان‌گرایی توسعه به ما کمک می‌کند تا مبنای بسیاری از دگرگونی‌های نهاد خانواده را دریابیم. با مطالعه تغییرات خانواده ایرانی در بستر آرمان‌گرایی توسعه، نه تنها می‌توان درک انسان‌ها از دنیای اطرافشان را شناخت؛ بلکه می‌توان این تغییرات را با دقت و حساسیت فرهنگی بالاتری دنبال و مدیریت نمود و فرصت لازم را جهت تغییر و تبدیل روندهای نادرست تغییر برای سیاست‌گذاران حوزه فرهنگی و اجتماعی و متولیان حوزه

خانواده فراهم نمود. از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که بین آرمان‌گرایی توسعه و تغییر و تحولات ساختار خانواده و مؤلفه‌های آن (ازدواج‌گریزی، تمایل به فرزندآوری، خانواده‌گرایی، توزیع قدرت در خانواده) چه ارتباطی وجود دارد؟

روش پژوهش

روش تحقیق به کاررفته در این پژوهش، پیمایش است. این روش به این دلیل انتخاب شده است که امکان گردآوری داده‌های هم‌شکل را در سطح گسترده و با استفاده از پرسشنامه ساخت‌یافته فراهم می‌سازد. خانوارهای معمولی شهر تبریز جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل داده‌اند که تعداد آن‌ها مطابق با سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۶۳۶۶۰ خانوار است. به بیان دیگر، زنان و مردان ۱۸ سال و بالاتر شهر تبریز که در سال ۱۳۹۹، متأهل، مطلقه، همسر یا شوهر فوت کرده بودند، جامعه آماری این پژوهش هستند. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. برای انجام نمونه‌گیری، هر کدام از مناطق ده‌گانه شهرداری شهر تبریز به مثابه یک خوشه آماری در نظر گرفته شدند و سپس از بین محلات مختلف هر منطقه، یک محله به صورت تصادفی انتخاب شد. در مراجعه به محلات، به علت عدم وجود لیست اسامی و تعداد افراد متأهل در آن محله، از افراد در دسترس استفاده شد. حجم نمونه پس از انجام پیش‌آزمون و تعیین واریانس متغیر وابسته در جامعه آماری، با استفاده از فرمول کوکران، ۶۰۰ نفر تعیین شد.

لازم به توضیح است که در فرمول کوکران، n حجم نمونه، N حجم جامعه آماری، t ضریب مشخص‌کننده احتمال خطا در حدود اطمینان موردبررسی (۰/۹۵) که در جدول مقادیر استاندارد آن برابر ۱/۹۶ می‌باشد و d خطای قابل قبول اندازه‌گیری در سطح اطمینان موردبررسی است که مقدار آن برابر با (۰/۰۵) است و S^2 به واریانس صفت مورد مطالعه در جامعه موردبررسی اشاره می‌کند که میزان آن با استفاده از یک مطالعه مقدماتی در بین ۵۰ نفر از افراد جامعه، ۰/۳۹ برآورد شد.

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot S^2}{N \cdot d^2 + t^2 \cdot S^2} = \frac{563660 \cdot 3.84 \cdot 0.39}{563660 \cdot 0.0025 + 3.84 \cdot 0.39} = 600$$

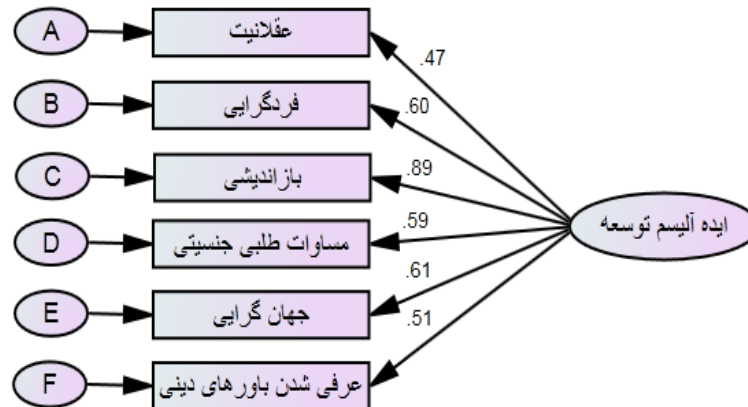
برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS از آزمون همبستگی پیرسون و همبستگی کانونی (رگرسیون کانونی) استفاده شده است. پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

آرمان‌گرایی توسعه:

با بهره‌گیری از پیشینه تجربی پژوهش با مؤلفه‌های عقلانیت، فردگرایی، بازاندیشی، مساوات‌طلبی، جنسیتی، جهان‌گرایی و عرفی شدن باورهای دینی در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) سنجیده شده است. جهت تعیین اعتبار گویه‌ها از سه روش اعتبار صوری، اعتبار محتوا و اعتبار سازه استفاده شده است. بدین صورت که برای تأمین اعتبار محتوای پرسشنامه، گویه‌هایی در پرسشنامه قرار گرفتند که صفات یا ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه و متغیر مورد نظر را به‌طور کامل و کافی در برمی‌گرفتند. همچنین با بررسی پژوهش‌های گوناگون داخلی و خارجی، برای آرمان‌گرایی توسعه ۷۸ گویه مشخص شد و در اختیار سه تن از اساتید علوم اجتماعی قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا مناسب‌ترین گویه‌ها را به ترتیب اولویت انتخاب کنند. بدین ترتیب اعتبار صوری پرسشنامه به دست آمد. در نهایت ۹ گویه حذف شدند و متغیر آرمان‌گرایی توسعه با ۶۹ گویه مورد سنجش قرار گرفت؛ به‌طوری‌که برای سنجش مؤلفه‌های عقلانیت از ۱۰ گویه، فردگرایی ۶ گویه، بازاندیشی ۱۷ گویه، مساوات‌طلبی جنسیتی ۶ گویه، جهان‌گرایی ۹ گویه و عرفی شدن باورهای دینی ۲۱ گویه استفاده شده است. برای ارزیابی اعتبار سازه‌ای، از شاخص اعتبار سازه‌ای همگرا یا تشابهی^۱ استفاده شده است. برای بررسی اعتبار همگرا، باید به بررسی میزان و سطح معناداری بارهای عاملی یا وزن رگرسیونی استاندارد هر یک از متغیرهای پنهان با شاخص‌های مربوط به آن پرداخت. در این حالت، سطح معناداری باید کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد و مقدار نسبت بحرانی^۲ (نسبت مقدار برآورده شده برای پارامتر به خطای استاندارد آن) باید بزرگ‌تر از ۱/۹۶ باشد (کلانتری، ۱۳۸۸). در شکل ۱ که مربوط به مدل اندازه‌گیری متغیر آرمان‌گرایی توسعه است، تمامی وزن‌های رگرسیونی (به‌جز مؤلفه عقلانیت)

1. Convergent Validity
2. Critical Ratio

بالاتر از ۰/۵۰ هستند و بیانگر آن‌اند که شاخص‌ها یا متغیرهای مشاهده شده همان چیزی را اندازه‌گیری می‌کنند که مدنظر محقق است.



شکل ۱. مدل اندازه‌گیری متغیر آرمان‌گرایی توسعه

برای برآورد اعتبار همگرا، از شاخصی تحت عنوان «میانگین واریانس تبیین شده»^۱ استفاده می‌شود. این شاخص از تقسیم مجموع مجذورات وزن رگرسیونی استاندارد یا بارهای عاملی هر یک از متغیرهای مشاهده شده بر تعداد کل متغیرهای مشاهده شده به دست می‌آید (هیر و همکاران ۲۰۱۴، ۲). فورنل و لارکر^۳ (۱۹۸۱) مقدار ۰/۵۰ و مگنر و همکاران^۴ (۱۹۹۶) مقدار ۰/۴۰ به بالا را برای مناسب بودن این شاخص تعیین نموده‌اند. در پژوهش حاضر، اعتبار همگرا برای مدل اندازه‌گیری آرمان‌گرایی توسعه، ۰/۴۰ برآورد شده که حاکی از تأیید آن است.

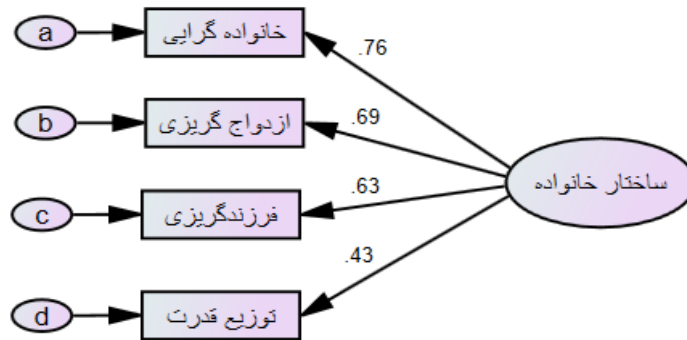
$$AVE = \frac{\sum \lambda^2}{n} = \frac{2.40}{6} = 0.40$$

پایایی کل متغیر آرمان‌گرایی توسعه ۰/۸۴ و ابعاد آن یعنی عقلانیت ۰/۸۶، فردگرایی ۰/۸۶، بازاندیشی ۰/۸۵، مساوات‌طلبی جنسیتی ۰/۸۴، جهان‌گرایی ۰/۶۹ و عرفی شدن باورهای دینی ۰/۷۱ به دست آمد که نشانگر آن است که گویه‌های انتخاب شده برای اندازه‌گیری آرمان‌گرایی توسعه گویه‌های مناسبی هستند.

1. Average Variance Extracted
2. Hair et al
3. Fornell & Larcker
4. Magner et al

ساختار خانواده:

با بهره‌گیری از پیشینه تجربی پژوهش با مؤلفه‌های خانواده‌گرایی، ازدواج‌گریزی، فرزند‌گریزی و توزیع قدرت سنجیده شده است. مؤلفه‌های ازدواج‌گریزی و توزیع قدرت (قلمرو قدرت، ساخت قدرت و شیوه اعمال قدرت) از پژوهش سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) و مؤلفه‌های خانواده‌گرایی و فرزند‌گریزی از پژوهش رسول‌زاده اقدم (۱۳۹۷) اقتباس شده‌اند. جهت تعیین اعتبار گویه‌ها از سه روش اعتبار صوری، اعتبار محتوا و اعتبار سازه استفاده شده است. بدین صورت که برای تأمین اعتبار محتوای پرسشنامه، گویه‌هایی در پرسشنامه قرار گرفتند که صفات یا ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه و متغیر مورد نظر را به‌طور کامل و کافی در برمی‌گرفتند. همچنین با بررسی پژوهش‌های گوناگون داخلی و خارجی، برای ساختار خانواده ۴۲ گویه مشخص شد و در اختیار سه تن از اساتید علوم اجتماعی قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا مناسب‌ترین گویه‌ها را به ترتیب اولویت انتخاب کنند. بدین ترتیب اعتبار صوری پرسشنامه به دست آمد. در نهایت ۶ گویه حذف شدند و متغیر ساختار خانواده با ۳۶ گویه مورد سنجش قرار گرفت؛ به طوری که برای سنجش مؤلفه‌های توزیع قدرت در خانواده از ۱۷ گویه، فرزند‌گریزی ۷ گویه، ازدواج‌گریزی ۷ گویه و خانواده‌گرایی ۵ گویه استفاده شده است. برای ارزیابی اعتبار سازه‌ای مقیاس ساختار خانواده نیز از شاخص اعتبار سازه‌ای همگرا یا تشابهی استفاده شده است. در شکل ۲ که مربوط به مدل اندازه‌گیری متغیر ساختار خانواده است، تمامی وزن‌های رگرسیونی (به جز توزیع قدرت) بالاتر از ۰/۵۰ هستند و بیانگر آن‌اند که شاخص‌ها یا متغیرهای مشاهده‌شده همان چیزی را اندازه‌گیری می‌کنند که مدنظر محقق است.



شکل ۲. مدل اندازه گیری متغیر ساختار خانواده

در پژوهش حاضر، اعتبار همگرا برای مدل اندازه گیری ساختار خانواده، ۰/۴۰ برآورد شده که حاکی از تائید آن است.

$$AVE = \frac{\sum \lambda^2}{n} = \frac{1.61}{4} = 0.40$$

پایایی مؤلفه‌های ازدواج گریزی و توزیع قدرت در پژوهش سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۹ به دست آمده بود. پایایی مؤلفه‌های خانواده گرایی و فرزندگریزی در پژوهش رسول‌زاده اقدم (۱۳۹۷) به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۴ به دست آمده بود. در پژوهش نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، پایایی کل متغیر ساختار خانواده ۰/۸۸ و ابعاد آن یعنی خانواده گرایی ۰/۸۹، ازدواج گریزی ۰/۸۵، کاهش تمایل به فرزندآوری (فرزندگریزی) ۰/۸۳ و توزیع قدرت ۰/۸۸ به دست آمد که نشانگر آن است که گویه‌های انتخاب شده برای اندازه گیری ساختار خانواده گویه‌های مناسبی هستند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است. پاسخگویان در بازه سنی ۱۸ تا ۸۷ سال قرار دارند و میانگین سنی آنها نیز ۴۲/۴۹ سال است. ۵۰ درصد پاسخگویان زن و ۵۰ درصد نیز مرد هستند.

جدول ۱. توزیع پاسخگویان برحسب جنس، سن و تحصیلات

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد
جنس	زن	۳۰۰	۵۰
	مرد	۳۰۰	۵۰
سن	۱۸-۲۸ سال	۱۱۹	۱۹/۸۳
	۲۹-۳۹ سال	۱۲۲	۲۰/۳۳
	۴۰-۵۰ سال	۱۱۹	۱۹/۸۳
	۵۱-۶۱ سال	۹۶	۱۶
	۶۲-۷۲ سال	۷۴	۱۲/۳۳
	۷۳ سال و بالاتر	۷۰	۱۱/۶۶
	بی‌سواد	۵۴	۹
تحصیلات	ابتدایی	۴۱	۶/۸
	راهنمایی	۴۵	۷/۵
	دیپلم و کاردانی	۱۸۶	۳۱
	کارشناسی	۱۹۵	۳۲/۵
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۷۹	۱۳/۲

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش و بررسی رابطه بین متغیرهای آرمان‌گرایی توسعه و ابعاد آن با ساختار خانواده از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. اطلاعات جدول ۲ بیانگر آن است که بین آرمان‌گرایی توسعه (و ابعاد آن) با ساختار خانواده همبستگی معناداری وجود دارد. این بدین معناست که با افزایش میزان آرمان‌گرایی توسعه (فردگرایی، عقلانیت، بازاندیشی، مساوات‌طلبی جنسیتی، جهان‌گرایی و عرفی شدن باورهای دینی)، ساختار نهاد خانواده به سمت ازدواج‌گریزی، فرزندگریزی و دموکراتیک یا مشارکتی شدن توزیع قدرت در خانواده و کاهش خانواده‌گرایی پیش می‌رود. از میان مؤلفه‌های آرمان‌گرایی توسعه به ترتیب عرفی شدن باورهای دینی، بازاندیشی، فردگرایی، جهان‌گرایی، عقلانیت و مساوات‌طلبی جنسیتی، بیشترین همبستگی را با ساختار خانواده دارند.

جدول ۲. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای آرمان‌گرایی توسعه (و ابعاد آن) با ساختار خانواده

متغیرهای پژوهش	عقلانیت	فردگرایی	بازاندیشی	مساوات‌طلبی	جهان‌گرایی	عرفی شدن	آرمان‌گرایی توسعه	ساختار خانواده
عقلانیت	۱							
فردگرایی	۰/۰۳	۱						
بازاندیشی	۰/۴۴**	۰/۱۲**	۱					
مساوات‌طلبی	۰/۳۴**	-۰/۰۹*	۰/۵۴**	۱				
جهان‌گرایی	۰/۳۹**	۰/۰۰۴	۰/۵۳**	۰/۴۱**	۱			
عرفی شدن	۰/۲۵**	۰/۳۱**	۰/۴۶**	۰/۱۵**	۰/۳۰**	۱		
آرمان‌گرایی توسعه	۰/۵۳**	۰/۳۲**	۰/۸۲**	۰/۵۱**	۰/۶۰**	۰/۸۲**	۱	
ساختار خانواده	۰/۲۷**	۰/۳۵**	۰/۳۹**	۰/۲۵**	۰/۳۲**	۰/۴۵**	۰/۵۸**	۱

به‌منظور آزمون همبستگی متغیر مستقل و متغیرهای وابسته از همبستگی کانونی استفاده شده است. اطلاعات جدول ۳ بیانگر آن است که با توجه به مقدار همبستگی کانونی به دست آمده رابطه آرمان‌گرایی توسعه و تغییرات ساختار خانواده ۰/۶۹ است. همچنین با توجه به مقدار واریانس تبیین شده که برابر با ۰/۴۷ درصد است، می‌توان گفت که ۴۷ درصد از تغییرات ساختار خانواده ناشی از آرمان‌گرایی توسعه است. علاوه بر این، سطح معناداری آزمون ویلکس برای متغیرهای کانونی برابر با ۰/۰۰۰ است که نشان می‌دهد ضریب همبستگی کانونی به لحاظ آماری دارای تفاوت معناداری با صفر است. از این رو، قابلیت تعمیم به جامعه آماری بزرگ‌تر از نمونه مورد مطالعه را دارد. سطح معناداری آزمون ویلکس نشان می‌دهد که بین آرمان‌گرایی توسعه و تغییرات ساختار خانواده رابطه معناداری وجود دارد. از این رو، متأثر از آرمان‌گرایی توسعه در جوامع، شاهد تغییرات متنوعی در ساختار نهاد خانواده هستیم.

جدول ۳. تحلیل همبستگی کانونی رابطه آرمان‌گرایی توسعه و تغییرات ساختار خانواده

متغیر کانونی	همبستگی کانونی	واریانس تبیین شده	آماره ویلکس	سطح معناداری
۱	۰/۶۹	۰/۴۷	۰/۵۵	۰/۰۰۱

بارهای کانونی در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که در متغیرهای کانونی، هر یک از متغیرهای مجموعه اول و دوم با چه وزن‌هایی ترکیب می‌شوند تا متغیر کانونی را بسازند. بارهای کانونی استاندارد شده نشان‌دهنده ضریب همبستگی بین هر متغیر کانونی با معرف‌های مربوط به آن است. به عبارتی، در تحلیل همبستگی کانونی، وزن‌های کانونی سهم نسبی هر یک از متغیرهای اصلی در میزان همبستگی کانونی و بارهای آن را نشان می‌دهد. در تابع ساختار خانواده بیشترین همبستگی مربوط به متغیر ازدواج‌گریزی (۰/۷۶) است. این بدین معناست که با افزایش یک واحد ازدواج‌گریزی، میزان همبستگی بین آرمان‌گرایی توسعه و ازدواج‌گریزی ۷۶ درصد افزایش می‌یابد. دومین متغیر، فرزند‌گریزی با وزن (۰/۷۴) است. با افزایش یک واحد فرزند‌گریزی، میزان همبستگی بین آرمان‌گرایی توسعه و فرزند‌گریزی ۷۴ درصد افزایش می‌یابد. سومین متغیر، خانواده‌گرایی با وزن (-۰/۴۴) است. با افزایش یک واحد خانواده‌گرایی، میزان همبستگی بین آرمان‌گرایی توسعه و خانواده‌گرایی ۴۴ درصد کاهش می‌یابد. آخرین متغیر، توزیع قدرت با وزن (۰/۴۰) است. با افزایش یک واحد توزیع قدرت، میزان همبستگی بین آرمان‌گرایی توسعه و توزیع قدرت ۴۰ درصد افزایش می‌یابد.

موضوع دیگری که با استفاده از وزن‌های کانونی می‌توان مشخص کرد، شناخت تغییرپذیرترین ابعاد ساختار خانواده در مواجهه با آرمان‌گرایی توسعه است. اولین متغیری که در این رابطه تغییر می‌کند ازدواج‌گریزی است؛ یعنی، با گسترش جریان آرمان‌گرایی توسعه، اولین اتفاقی که در خانواده‌ها رخ می‌دهد افزایش ازدواج‌گریزی است. دومین متغیر تغییرپذیر، فرزند‌گریزی است. با گسترش فرایند آرمان‌گرایی توسعه، فرزند‌گریزی نیز افزایش می‌یابد. سومین متغیری که در رابطه با آرمان‌گرایی توسعه تغییر می‌کند، خانواده‌گرایی است؛ یعنی با گسترش آرمان‌گرایی توسعه، خانواده‌گرایی کاهش می‌یابد. در نهایت، با گسترش فرایند آرمان‌گرایی توسعه، توزیع قدرت در خانواده متعادل‌تر و دموکراتیک‌تر می‌شود.

جدول ۴. بار کانونی و ضریب کانونی استاندارد شده متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر کانونی	متغیرهای مورد بررسی	بار کانونی	ضریب کانونی استاندارد شده
آرمان‌گرایی توسعه	آرمان‌گرایی توسعه	۱/۰۰	۱/۰۰
ساختار خانواده	خانواده‌گرایی	-۰/۴۴	-۰/۲۱
	ازدواج‌گریزی	۰/۷۶	۰/۳۶
	فرزندگریزی	۰/۷۴	۰/۳۳
	توزیع قدرت	۰/۴۰	۰/۱۸

برای تعیین ارتباط میزان آرمان‌گرایی توسعه جهت افزایش یا کاهش مؤلفه‌های تغییرات ساختار خانواده از ضریب افزونگی استفاده شده است که در آن، درجه همپوشانی بین دو مجموعه از متغیرها مشخص می‌شود. میزان افزونگی بالای ضرایب کانونی نشان از توانایی بالای آن‌ها در پیش‌بینی متغیرهای وابسته دارد. مقادیر ضریب شاخص افزونگی همانند ضریب تبیین در رگرسیون است که بر اساس نتایج جدول ۵ نسبت واریانس‌های تبیین شده مؤلفه‌های تغییرات ساختار خانواده توسط متغیر آرمان‌گرایی توسعه ۰/۴۸ و نسبت واریانس‌های تبیین شده مؤلفه آرمان‌گرایی توسعه توسط تغییرات ساختار خانواده ۰/۲۴ است.

جدول ۵. شاخص افزونگی کانونی برای اولین تابع کانونی

تابع کانونی	ضریب افزونگی متغیرهای مقابل
مؤلفه‌های تغییرات ساختار خانواده با استفاده از آرمان‌گرایی توسعه	۰/۴۷۹
مؤلفه‌های آرمان‌گرایی توسعه با استفاده از تغییرات ساختار خانواده	۰/۲۳۹

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر روند تغییرات برخی از متغیرهای ساختاری خانواده در مواجهه با آرمان‌گرایی توسعه مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ساختار خانواده تحت تأثیر رواج آرمان‌گرایی توسعه تغییر کرده است. به طوری که بین آرمان‌گرایی توسعه و تغییرات ساختاری خانواده رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با گسترش فرایند آرمان‌گرایی توسعه، تمایل افراد به ازدواج و فرزندآوری و خانواده‌گرایی کاهش می‌یابد. خانواده‌گرایی شامل یک هویت فردی و دلبستگی قوی به خانواده فرد و داشتن احساسات قوی وفاداری، تقابل و همبستگی

در بین اعضای خانواده است. در واقع، خانواده‌گرایی سازه‌ای است که ماهیت جمع‌گرایی و جهت‌گیری افراد نسبت به آسایش، وفاق و رفاه اعضای خانواده را نشان می‌دهد (رجبی و عباس‌پور، ۱۳۹۲). همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که با گسترش آرمان‌گرایی توسعه، توزیع قدرت در خانواده متعادل‌تر و دموکراتیک‌تر می‌شود. علاوه بر این، با گسترش آرمان‌گرایی توسعه و ورود ارزش‌های مدرن به جامعه، اولین تغییراتی که در ساختار خانواده رخ می‌دهند به ترتیب عبارت‌اند از: افزایش ازدواج‌گزیزی، کاهش تمایل به فرزندآوری، کاهش خانواده‌گرایی و متوازن شدن توزیع قدرت در خانواده.

این یافته‌ها در راستای یافته‌های پژوهش‌های عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)، سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)، جمند و همکاران (۱۳۹۶)، میرمحمد رضائی و همکاران (۱۳۹۵)، اعتمادی‌فر (۱۳۹۴)، کاظمی (۱۳۸۹)، سیلینش و مارتینیوک^۱ (۲۰۱۶)، لای و ترنتون (۲۰۱۵)، دودامنی (۲۰۱۴) و ترنتون (۲۰۱۰) است.

در تبیین یافته‌های بالا می‌توان گفت که با ورود فرایند آرمان‌گرایی توسعه، سنت‌ها و ارزش‌های سنتی تضعیف شده و افراد در معرض ارزش‌ها و هنجارهای جدید قرار می‌گیرند. آرمان‌گرایی توسعه از طریق ایجاد تغییرات ساختاری و ارزشی و هنجاری در ساختار و ارزش‌های سنتی خانواده و شکل‌گیری تغییرات فرهنگی و اجتماعی گسترده از جمله عرفی شدن باورهای دینی، بازاندیشی، عقلانیت، فردگرایی و مساوات‌طلبی موجب شکل‌گیری تغییراتی در کارکردها و ساختار خانواده می‌شوند؛ که از این تغییرات می‌توان به کاهش خانواده‌گرایی، تمایل به فرزندآوری، تمایل به ازدواج و متعادل شدن توزیع قدرت در خانواده اشاره نمود.

عرفی شدن باورهای دینی، یکی از مؤلفه‌های آرمان‌گرایی توسعه است که نقش مهمی در تغییرات ساختار خانواده داشته است. باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی عواملی هستند که نگرش و رفتار فرد را در تمامی عرصه‌ها همچون حوزه خانواده کنترل می‌کنند. تمامی ادیان آسمانی از جمله دین اسلام اهمیت زیادی به نهاد خانواده و مسائل خانواده (تشکیل خانواده، ازدواج، فرزندآوری، طلاق) قائل هستند؛ اما ورود ارزش‌ها و تفکرات مدرن همچون عرفی شدن باورهای دینی در قالب گسترش آرمان‌گرایی توسعه به کشور، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات دینی و مذهبی

1. Silinsh & Martyniuk

را تضعیف و محدود به زندگی خصوصی و دنیوی کرده است. از مهم‌ترین پیامدهای این امر، تغییرات ساختاری در نهاد خانواده و کاهش خانواده‌گرایی، افزایش ازدواج‌گزیزی و فرزندگزیزی است. در این زمینه، گاردنر (۱۳۸۷) عرفی شدن باورهای دینی را یکی از مهم‌ترین ایدئولوژی‌های عمده در فروپاشی خانواده می‌داند. همچنین، یافته‌های نیلز^۱ (۲۰۰۶) بیانگر آن است که کاهش میزان ازدواج، افزایش هم‌خانگی و باروری‌های ناشی از روابط فرزندناشویی در بلژیک ناشی از رشد عرفی شدن ارزش‌ها و باورهای دینی است.

بازاندیشی از دیگر مؤلفه‌های آرمان‌گرایی توسعه است و به نظر آنتونی گیدنز ویژگی مدرنیته، بازاندیشی درباره همه چیز است و بازاندیشی در خصوص سنت و نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای سنتی یا پیشین جامعه یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدرنیته است. در جریان فرایند بازاندیشی نقش الگوهای سنتی در جهت‌دهی به کنش افراد کمرنگ شده و افراد در پرتو اطلاعات تازه دائماً کنش‌های خود (همچون ازدواج، فرزندآوری و...) را بازتفسیر می‌کنند. در این بین، فرایند بازاندیشی به حوزه نهاد خانواده هم رسیده است. هنجارها، ارزش‌ها و باورهایی که در گذشته بی‌چون و چرا پذیرفته می‌شد امروزه ماهیت و عملکردش به چالش کشیده می‌شود و ارزش‌های جدیدی (ازدواج‌گزیزی، فرزندگزیزی، کاهش خانواده‌گرایی، تضعیف نقش‌های جنسیتی در خانواده) به جای آن پذیرفته می‌شود. در این زمینه، اسحاقی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهششان نشان دادند که فرایند بازاندیشی مدرن نگرش افراد در ارزش‌گذاری برای فرزند را تغییر داده، به نحوی که به فواید معنوی و عاطفی داشتن فرزند کمتر توجه می‌شود. همچنین امروزه فرد خواسته‌ها و نیازهای عاطفی خود را در فرزند نمی‌یابد و تمایلی برای فرزندآوری ندارد و نگرش منفی نسبت به پیامدهای فرزند بیشتر از آثار مثبت فرزندآوری در ذهنش متصور است. همچنین در این زمینه، آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۱) نیز معتقدند که تغییرات فرهنگی همچون لیبرالیسم اخلاقی (نسبیت‌گرایی) و بازاندیشی سنت، یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش هم‌خانگی یا افزایش ازدواج‌گزیزی است.

فردگرایی از دیگر مؤلفه‌های آرمان‌گرایی توسعه است که در پیدایش تغییرات در ساختار خانواده نقش داشته است. فردگرایی به افراد اجازه می‌دهد تصمیمشان در خصوص ازدواج و

1. Neels

تشکیل خانواده مبتنی بر علائق شخصی باشد. امروزه به‌جای آن‌که افراد به خاطر فرزندانشان یا به خاطر ارزش خانواده متأهل بمانند، بیشتر در جستجوی منافع و لذت‌های شخصی هستند و بهره‌مندی از فرصت‌های بهتر را جستجو می‌کنند. بر این اساس، ازدواج امروزه بسیار بیش از زمانی که یک نهاد دائمی محسوب می‌شد، اقدامی مخاطره‌آمیز است. در فرهنگ غربی معاصر، دوام و بقای پیوند ازدواج را نمی‌توان انتظار داشت. در عوض، ساختن یا حفظ روابط گزینشی تبدیل به عملی اجباری و الزامی شده است. افراد شراکت‌هایی را انتخاب می‌کنند که ضرورتاً به زناشویی منجر نمی‌شود. از این‌رو، امروزه، ازدواج متأثر از رواج فردگرایی روبه‌افول است و افراد روبه‌روز ازدواج‌گریزتر می‌شوند (سهراب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). در این زمینه، هارپر^۱ (۲۰۱۰) نیز معتقد است که فردگرایی منجر به کاهش نگرش سنتی به ازدواج می‌شود. مانسکی و می‌شار^۲ (۲۰۰۳) نیز معتقدند که با افزایش میزان فردگرایی و ترجیح منافع شخصی بر منافع جمعی در فرد، نگرش و گرایش وی به فرزندآوری کاهش می‌یابد.

دیگر مؤلفه آرمان‌گرایی توسعه، مساوات‌طلبی جنسیتی است. در گذشته، به خاطر فراگیر بودن ایدئولوژی مردسالارانه، به زنان اجازه چندانی برای حضور و مشارکت در عرصه‌های مختلف همچون آموزش، اشتغال و امور سیاسی داده نمی‌شد؛ اما با فراگیر شدن آموزش همگانی و شکل‌گیری مجموعه‌ای از تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در سایه گسترش آرمان‌گرایی توسعه یا ورود ارزش‌های مدرن به کشور، مردسالاری در جامعه و خانواده تا حدودی مورد افول واقع قرار گرفته و جریان‌های فکری جدید همچون فمینیسم، نظام تقسیم نقش‌های سنتی زن و مرد را به چالش کشیدند. در نتیجه با افزایش ورود زنان به دانشگاه‌ها و افزایش آگاهی آن‌ها، امروزه بسیاری از زنان خواهان حضور در جامعه هستند و خود را ملزم به انجام بسیاری از نقش‌های سنتی و خانوادگی خود نمی‌دانند. یکی از نتایج این امر، تغییر در توزیع قدرت و متعادل شدن قدرت در خانواده و کاهش میزان فرزندآوری است. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) و کاظمی (۱۳۸۹) است.

1. Harper
2. Manski & Mayshar

جهان‌گرایی یا آگاهی از جهانی‌شدن هم از دیگر مؤلفه‌های آرمان‌گرایی توسعه است. جهان‌گرایی پدیده‌ای چندوجهی و چندجانبه است که همه ابعاد و عرصه‌های حیات اجتماعی را دربر می‌گیرد و به همین دلیل آثار و پیامدهای گوناگونی نیز به دنبال داشته است. امروزه تغییر و تحولاتی که در سطح جهانی اتفاق افتاده، پیامدهایی را از طریق دنیای ارتباطات و اطلاعات به جامعه ایرانی تزریق کرده که چون فرهنگ‌سازی نشده، تحولاتی را برای خانواده‌ها به وجود آورده (میرمحمد رضایی و ساروخانی، ۱۳۹۷) و سبب شده است که به تدریج خانواده ایرانی و در پی آن، خانواده‌های تبریزی تغییراتی را در خود بپذیرد. جهان‌گرایی علاوه بر آثار و پیامدهای مثبتی که همچون دسترسی به منابع و گسترش فرصت‌ها، توانمندسازی افراد و گروه‌هایی به حاشیه رانده شده، به فعلیت درآمدن توان و رسیدن صدای زنان و کودکان به عرصه‌های عمومی، کمرنگ شدن نابرابری‌ها، دموکراتیک شدن روابط در خانواده و آشنایی افراد با قوانین و حقوق بین‌المللی در زمینه خانواده داشته، پیامدهای مخربی در زمینه تصمیم‌گیری در خانواده (تصمیم‌گیری در مورد زمان ازدواج، تصمیم‌گیری در مورد زمان فرزندآوری، تصمیم‌گیری در مورد تعدد فرزندان و...)، کاهش فرزندآوری، تأخیر در ازدواج، هم‌خانگی، افزایش طلاق و... نیز داشته است. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش میرمحمد رضایی و همکاران (۱۳۹۵)، تورن (۲۰۰۳)، دودامنی (۲۰۱۴) و سیلینش و مارتینویوک (۲۰۱۶) است.

با توجه به یافته‌های پژوهش در راستای گسترش آرمان‌گرایی توسعه و تغییرات در ساختار خانواده، راهکارهای کاربردی زیر پیشنهاد می‌شود: به تغییرات در ساختار خانواده‌ها تحت تأثیر آرمان‌گرایی توسعه با دید منفی نگریسته نشود؛ این تغییرات به این معنا نیست که خانواده سنتی از بین رفته یا در حال فروپاشی است؛ بلکه اقتدار و انحصاری که خانواده سنتی برای مدت‌های مدیدی در دست داشت در حال از بین رفتن است و دیگر یک مدل واحد برای زندگی خانوادگی پاسخگوی نیازها و شرایط جوامع معاصر نیست و شکل‌ها یا ساختار جدید زندگی تحت تأثیر انگیزه‌ها و خواسته‌های فردی، گسترش فرایند بازانديشي، افزایش عقلانیت و شیوع ارزش‌های مدرن نیز دارای اهمیت شده‌اند؛ اما برای تبدیل این چالش به فرصت، نیازمند سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی و حمایت از خانواده در ابعاد مختلف بدون سیاست‌های مداخله‌گرانه

دولت و به صورت حمایتی هستیم. در واقع، در بحث سیاست‌گذاری خانواده، دولت باید کنشگر فعال باشد و نه مداخله‌گر. به بیان دیگر، دولت باید نقش یک حامی و دوست را برای خانواده‌ها داشته باشد و طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های آن نباید از بالا به پایین باشد. همچنین، ضمن خودداری از شتاب‌زدگی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در زمینه خانواده، لازم است ضمن فهم دقیق تغییر و تحولات به وجود آمده در نهاد خانواده، در کنار برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت به برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت نیز توجه خاصی نمود.

فهرست منابع

- اسحاقی، محمد؛ محبی، سیده فاطمه؛ پاپی نژاد، شهربانو و جهاندار، زینب. (۱۳۹۳). چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۲(۱)، ۱۱۱-۱۳۴.
- اعتمادی فرد، سید مهدی. (۱۳۹۴). *تحولات خانواده، طلاق و ازدواج، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور*. تهران: وزارت کشور، مرکز امور اجتماعی و فرهنگی.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایشاری، مریم و طالبی، سحر. (۱۳۹۱). هم خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۳(۱)، ۴۳-۷۷.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ صادقی فسایی، سهیلا و لولآآور، منصوره. (۱۳۹۲). نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران. *زن در فرهنگ و هنر*، ۵(۲)، ۱۸۳-۱۹۸.
- جمند، بهاره؛ مهدوی، محمدصادق؛ کلدی، علیرضا. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین تجددگرایی و بی رغبتی نسبت به ازدواج در میان جوانان (مطالعه موردی: جوانان شهر تهران). *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۱۱(۱)، ۷-۳۳.
- رجبی، غلامرضا و عباس پور، ذبیح‌الله. (۱۳۹۲). بررسی پایایی و روایی نسخه فارسی مقیاس خانواده‌گرایی. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۴(۱۴)، ۲۵-۴۲.
- رسول زاده اقدم، صمد. (۱۳۹۷). *مطالعه تأثیر فرایند نوسازی در ساختار و کارکرد خانواده و مسائل ناشی از آن (مورد مطالعه: خانواده‌های شهر تبریز)*. تبریز: استانداری آذربایجان شرقی.
- رضائی، مهدی؛ پرتوی، لطیف و محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). مدرنیزاسیون، خانواده و تجربه گذار جمعیت‌شناختی در کردستان. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، ۸(۱۶)، ۱۳۹-۱۶۷.
- زاهدی، محمدجواد؛ نایی، هوشنگ؛ دانش، پروانه و نازک تبار، حسین. (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فرایند نوسازی در ساختار خانواده (مقایسه نقاط شهری و روستایی در استان مازندران). *شورای فرهنگی/اجتماعی زنان و خانواده*، ۱۶(۶۱)، ۹۷-۱۴۸.
- ساروخانی، باقر و مقربیان، مریم. (۱۳۹۰). تجددگرایی و همسرگزینی: تحقیقی مقایسه‌ای در بین زنان مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۲(۱۵)، ۴۳-۷۵.
- سهراب‌زاده، مهران؛ نیازی، محسن؛ افرا، هادی. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی رابطه فردگرایی و تغییر در ساختار خانواده. *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۸(۱)، ۱۷۱-۱۹۸.
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان. (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی. *زن در فرهنگ و هنر*، ۵(۱)، ۶۳-۸۴.

عباس زاده، محمد؛ سعیدی عطایی، حامد و افشاری، زهرا. (۱۳۹۴). مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته مؤثر بر گرایش زنان به طلاق (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر زنجان). *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۱(۱)، ۴۴-۲۵.

عباس زاده، محمد؛ عدلی‌پور، صمد؛ آقایی‌هیر، توکل؛ علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۹). تحولات نهاد خانواده در فرایند نوسازی و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری ایران در حوزه خانواده. *فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۵۱(۲)، ۱۹۲-۱۶۱.

عباسی شوازی، محمدجلال و عسکری ندوشن، عباس. (۱۳۸۷). آرمان‌گرایی در توسعه و نگرش‌های مرتبط با خانواده در ایران (مطالعه‌ای موردی در شهر یزد). *نامه علوم اجتماعی*، ۱۶(۳۴)، ۷۲-۴۹.

عدلی‌پور، صمد. (۱۳۹۸). *مطالعه نقش فرایند نوسازی در تغییر و تحولات خانواده (مورد مطالعه: خانواده‌های شهر تبریز)*. رساله دکتری، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز. کاظمی، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر شکاف بین نگرش‌های دختران و مادران آن‌ها نسبت به ازدواج و خانواده. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۶(۲۳)، ۳۱۲-۲۹۹.

کلاتری، حسین. (۱۳۸۸). *مدل‌سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی*. تهران: فرهنگ صبا. گاردنر، ویلیام. (۱۳۸۷). *جنگ علیه خانواده (ترجمه معصومه محمدی)*. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. میرمحمد رضایی، سیده زهرا؛ ساروخانی، باقر؛ سرایی، حسن. (۱۳۹۵). مطالعه کیفی جهانی شدن و تغییرات خانواده در شهر زنجان. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۲(۴۵)، ۴۴-۱۳. میرمحمد رضایی، سیده زهرا؛ ساروخانی، باقر. (۱۳۹۷). نقش جهانی شدن در تغییرات دو دهه اخیر خانواده ایرانی. *فصلنامه مطالعات فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳(۴۴)، ۱۶۴-۱۳۱.

Doddamani, K. N. (2014). A sociological study on changing family structure in Karnataka. *Journal Of Humanities And Social Science*. 19(6), 63-59.

Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of marketing research*, 18(1), 39-50.

Good, W. (1963). *world Revolution and family Patterns*. London: Free press of Glencoe.

Hair, J. F., Black, W. C., Babin, B. J., Anderson, R. E., & Tatham, R. L. (2014). *Multivariate Data Analysis (7th ed.)*, Pearson New International Edition.

Harper, M. S. (2010). *The relationship between individualistic attitudes and attitudes towards traditional*. Social Work Theses. Providence College, Rhode Island.

Kyung-Sup, C., & Min-Young, S. (2010). The stranded individualizer under compressed modernity: South Korean women in individualization without individualism. *The British journal of sociology*, 61(3), 539-564.

Lai, Q., & Thornton, A. (2015). The making of family values: Developmental idealism in Gansu, China. *Social Science Research*, 51, 174-188.

Magner, N., Welker, R. B. & Campbell, T. L. (1996). Testing a model of cognitive budgetary participation processes in a latent variable structural equations framework. *Accounting and Business Research*, 27(1), 41-50.

- Manski, C., & Mayshar, J. (2003). Private incentives and social interactions: fertility puzzles in Israel. *Journal of the European Economic Association*, 1(1), 181-211.
- Neels, K. (2006). Fertility postponement: cultural dynamics or structural change?, *European Population Conference*, Liverpool.
- Silins, R., & Martyniuk, A. (2016). Transformation trend of the institution of family. Family as a value, expectations, family policy. In *SHS Web of Conferences* (Vol. 30, p. 00030). EDP Sciences.
- Thornton, A. (2005). *Reading History Sideways: The Fallacy and Enduring Impact of the Developmental Paradigm on Family Life*. Chicago: University of Chicago Press.
- Thornton, A. (2010). International family change and continuity: The past and future from the developmental idealism perspective. *Demography*, 53(5), 21-50.
- Toren, N. (2003). Tradition and transition: Family change in Israel. *Gender Issues*, 21(2), 60-76.

